

اسناد منحصر به فرد منتشر نشده از دوران قاجاریه (ناصری)

توضیح لازم در سنجش اسناد حاضر

با نگرش تاریخی به اسناد و مدارک اصیل و از جمله اسناد امین السلطنه در انعکاس وقایع و حوادث تاریخی به همان گونه که وقوع یافته است، آشکار می شود که لاقبل برخی از نوشته های خاطره نویسان و نقالان که در اذهان خوانندگان کتب تاریخی جایگزین شده است و با آن انس گرفته اند نادرست است. در این امر تردید نیست که تألیف تاریخ ایران با تکیه بر اقوال و خاطرات دولتمردان هر عصر و یا نقل قول از نقل قول (تاریخ شفاهی) که بر هیچ و مدرک و سندی استوار نیست کاری عجولانه و غیر علمی ست. چه تاریخ ما از این راه آسیب بسیاری دیده است. با توجه به آنچه گفته شد می توان مشکل بزرگ در راه تدوین تاریخ علمی مستند دوره جدید تاریخ ایران را عدم دسترسی به اسناد اصیل و معتبر شناخت.

سندی در پاسخ تاریخ

شکایت تجار شیرازی از حاجی ظهیرالدوله پیشکار ظل السلطان به دارالشورای مختار

دربار اعظم

به استناد این دادخواهی ظل السلطان و پیشکار او ظهیرالدوله را که بر اساس سند موجود مشارکتش در ظلم به تجار شیرازی مسلم بوده است از حکومت فارس معزول کرده اند. در یگانگی این سند پر ارج تاریخی همین نکته کافی ست که تا کنون در هیچ یک از کتب تاریخی قاجاریه و کلیه خاطرات رجال و نیز در تألیفات و تحقیقات مورخین معاصر درباره

این برکناری و علت آن سندی مشاهده نشده است و تا حال برای اهل تحقیق روشن نبود که به چه سبب ناصرالدین شاه، نابه هنگام و سریع در این تاریخ ظلّ السلطان پسر بزرگش را از کار حکومت فارس بازداشته است. با این توضیح واضح است که جای این پرسش در بخشی از تاریخ عهد ناصری خالی مانده بود. یک نمونه آن کتاب تاریخ رجال ایران است که در شرح حال ظلّ السلطان این خلأ تاریخی به این ترتیب به چشم می خورد:

و در این سال [۱۲۸۹ هـ. ق.] حکومت فارس برای بار سوم به ظلّ السلطان با پیشکاری محمد ناصرخان ظهیرالدوله قاجار دولو واگذار گردید. ظلّ السلطان تا اوایل سال ۱۲۹۱ هـ. ق. دو سال حاکم فارس بود و بعد معزول شده... ظلّ السلطان پس از ورود به تهران بیکار نماند و در همین سال شاه... او را به حکومت اصفهان روانه نمود.

درباره شرح حال ظهیرالدوله نیز در کتاب تاریخ رجال ایران بامداد در فاصله سال ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۲ هـ. ق. که حاکم خراسان شده است شرحی دیده نمی شود.^۱

مسعود میرزا ظلّ السلطان در حکومت فارس به استناد مدارک:

در سال ۱۲۸۹ هـ. ق. در زمان صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله حکومت فارس، مشروط و با پیشکاری ظهیرالدوله به ظلّ السلطان داده شده بود. از مضمون سند ارزنده ای که قسمتی از آن آورده می شود، چنین بر می آید که موضوع مهم حکومت فارس ظلّ السلطان توسط مشیرالدوله در دارالشورای وزرا مطرح گردیده است. در این مصلحت بینی وزرا واگذاری حکومت فارس را به شاهزاده ای متجاوز و بد سابقه مانند ظلّ السلطان در آن سال بعد از قحطی و بیماری به خاطر مردم تهیدست و بی پایه شده صلاح نمی دانستند. مشیرالدوله نتیجه این مشورت را در عریضه ای به این شرح به عرض شاه می رساند:

در عمل فارس و تعیین پیشکار با خواص اولیای دولت علیه... مشاوره نمودم رأی جمیع آنها بر این بود که مثل امسال سالی که مردم از قحطی و گرسنگی بیرون آمده اند... وصول مالیات در هذالسنه بمراتب از سنه ماضیه مشکل تر است...

مشیرالدوله پس از اشاره به مشکلات مردم و لزوم مخارج و تجهیزات برای دولت چنین ادامه می دهد:

... پول و اعظم ولایات مالیات بده خزانه فارس است و در چنین صورتی مأموریت نواب اشرف ارفع شاهنشاه زاده اعظم ظلّ السلطان صلاح حالیه دولت نیست. زیرا از یک طرف بجهت قرب بیابگاه سلطنت مطمئن است و از جانب دیگر میل مفرطی بجمع آوری پول دارند ابقاء بر مال و عرض احدی نخواهند فرمود... این غلام خانه زاد بآنها گفتم که بدلیل شما تصدیق دارم و صعوبت هذالسنه را میدانم لیکن شاهزاده پسر بزرگ قبله عالم و نمی توان او را بیکار گزارد...

و سپس پیشنهاد صدر اعظم به شاه این است که:

با شرایط و عهود و پیشکار معقول و مسلط بفرستیم و مالیات را از پیشکار بخواهیم و قدرت تعدی و اجحاف یا تعرض بناموس مردم باو [یعنی ظل السلطان] مرحمت نشود. در مورد پیشکاروزرا گفتند اگر از مأموریت شاهزاده ناگزیرید در اینصورت بغیر از ظهیرالدوله و علاءالدوله عجلتاً در دربار همایون کسی قابل ولایق در این کار نیست...

میرزا حسین خان در پایان عریضه پس از اعلام خلاصه مذاکرات و رای اولیای دولت و اظهار اعتقاد خودش در نهایت، حل این مسأله را به «رای اصابت پیرای همایون شاهی...» محول می نماید.

دستخط شاه در جواب مشیرالدوله:

صدر اعظم

در فقره تعیین حکام و پیشکاران ولایات بزرگ و کوچک در هذالسنه بیچی نیل و بعدها از قراری که مکرر گفته ام خود تکلیفی بشما نمی کنم و ابدأ اظهار رأی نخواهم کرد هرطور مصلحت مملکت و دولت باشد قرار حاکم و پیشکار فارس را بدهید و زودتر روانه کنید.^۱

از این قرار به ناچار با موافقت مشیرالدوله حکومت فارس با موضع مشروط و پیشکاری ظهیرالدوله به ظل السلطان داده می شود. آغاز حکومت ظل السلطان مصادف با سفر اول شاه و صدر اعظم به فرنگستان بود. به طوری که می دانیم شاه در مراجعت با فتنه و آشوبی روبه رو گردید که همه سودپرستان نظیر ظل السلطان که در این مدت تا اندازه ای مهار شده بودند، در این توطئه داخل و خارج دست داشتند و نتیجه آن شد که صدر اعظم از منصب خود استعفا داد. علت مخالفت و دشمنی عمیق ظل السلطان با مشیرالدوله بر پایه منافع شخصی قرار داشت زیرا با اشاره ای که شد میرزا حسین خان با اقدامات لازم اختیارات او را در حکومت فارس محدود کرده بود. ظل السلطان پس از استعفای مشیرالدوله مجدداً خودمختاری و سرکشی را که لازمه طبع او بود آغاز کرد. او حاکمی بود گستاخ و سنگدل که به هیچ قانون و مقرراتی پابند نبود. قانون او قانون ظل السلطانی بود. بعد از این که ناصرالدین شاه به تشکیل مجدد دارالشورای کبری دربار اعظم و سپس به ایجاد مجلس وزرای مختارسته فرمان داد، مردم ستم کشیده فارس ملجأ و فرصت تازه ای یافتند و مرتباً با نوشتن عرایض شکایت می کردند. سند حاضر یکی از آن شکایات و مؤثرترین آنهاست:

متن تلگراف تظلم تجار شیرازی:

حضور مبارک وزرای مختار دربار اعظم معروض میداریم

که جناب حاجی ظهیرالدوله حاجی آقا رضا تاجر جهرمی را بدون تقصیر جریمه فرموده معادل هزار

و هشتصد و شانزده تومان جناب ایشان و میرزا ابوالقاسم فراشبازی ایشان گرفته اند بتوسط حاجی محمد حسن تاجر شیروانی و ناظر حضرت والا ظلّ السلطان هم مبالغی نقد و اسباب علاوه بر جریمه نمودن مردم جهرم از آن گرفته و خدمت جناب آقای نصیرالدوله تلگراف نمودیم. به عرض ماها نرسیده اند استدعا این است که محض امیدواری رعایا و تجار و دعاگوئی دولت ابد مدت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه احقاق حق این بیچاره ها را نموده باشند. تجار شیرازی

۲۵ ربیع الثانی (مهر تلگرافخانه) بتاريخ چهارشنبه ۲۵ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۱

این سند با زمینه روشنی که در شناخت ظلّ السلطان و پیشکارش دارد، دو نکته تاریخی دیگر نیز به دست می دهد: نکته اول: به ترتیب تاریخی، قیاس سیاست دارالشورای کبری دربار اعظم است که در هر دوره شرایط خاص تاریخی زمانه را دربر دارد. نکته بسیار مهم دیگر دستخط بی نظیر ناصرالدین شاه در پاسخ وزرای مختارسته است، که در موضع تاریخی ویژه ای قرار دارد. ضروری ست که در معانی این نکات شرح زیر داده شود:

پیشتر در مورد اظهار نظر وزرای دارالشورای (۱۲۸۸ ه. ق.) درباره ظلّ السلطان اشاره شد، سه نفر از وزرای همان دارالشوری، عبارت از اعتضاد السلطنه، علاءالدوله و میرزا حسین خان مشیرالدوله که در تاریخ این سند وزیر امور خارجه است از اعضای مجلس وزرای مختارسته می باشند (۱۲۹۱ ه. ق.) مهم آن است که در فرمان و دستخط دستورالعمل مورخ ۱۲ ربیع الاول ۱۲۹۱ ه. ق.، شاه با دادن اختیار، نصب و عزل حکام را به وزرای سته محول کرده و قدرت خود را به آنان تفویض کرده است. با این کیفیت وزرای مختار در زیر ورقه تلگراف تظلم تجار شیرازی با خط میرزا علی خان امین الملک (امین الدوله)، در امتناع از دادن رأی، با این عبارت از شاه کسب تکلیف کرده اند: «از این قبیل تلگرافها مکرر به مجلس رسیده است تکلیف چاکران در جواب این نوع تظلمات چیست». به یقین مسامحه و خودداری وزرا از صدور رأی و کسب تکلیف از شاه درباره حکومت ظلّ السلطان و ظهیرالدوله، حاصل درسی ست که نه چندان دور در واقعه قرارداد رویترا، از عاقبت کار میرزا حسین خان مشیرالدوله و عزل او از صدارت، در بی ثباتی و چگونگی اوضاع و احوال آموخته بودند. در تشریح این قضیه می توان گفت که اظهار نظر قاطعانه و بدون واهمه این وزرا درباره فساد و خلافتکاریهای ظلّ السلطان در دو سال پیش به اتکاء مشیرالدوله، صدراعظمی برخوردار از حمایت همه جانبه شاه و در عین حال مقتدر و مصمم، بوده است. ناگفته نماند که از نوشته وزرای مختار که: «از این قبیل تلگرافها [یعنی تلگراف شکایت از ظلّ السلطان و ظهیرالدوله] مکرر بمجلس رسیده است»، معلوم می شود که پیش از این تاریخ شکایات دیگری نیز به مجلس دارالشوری رسیده است، و آنان به سکوت برگزار کرده اند.

ناصرالدین شاه که از نوشته وزرا و عدم توجه آنان به فرمان صادر شده متعجب گردیده است، با آگاهی از علت تسامح و تعلل اعضای دارالشوری، برای تنبّه و ارائه شهادت به آنان در یک پاسخ تاریخی توأم با بیانی بیمانند درباره خودش که شگفت‌انگیز است، برای وزرای مختار به این شرح تعیین تکلیف می‌نماید:

بعد از آن همه اختیارات و آن همه تأکیدات و آن همه انتشارات که در حق وزرای مختار درباری شد و می‌شود کمال تعجب حاصل کردم که در رفع ظلم و احقاق حقوق مردم باز می‌نویسید که تکلیف وزرا چه چیز است پس از این فرار تکلیف مرا مشخص بکنید بهتر است مردمان حسابی تکلیف ما چه چیز است یعنی چه تکلیف شما این است که اگر من خودم به احدی ظلم بکنم یا از دست من کسی شاکی بشود با کمال سختی از من مطالبه احقاق حق بکنید تا چه رسد به دیگران از این حالت‌های شما روز بروز تعجب ما زیادتر می‌شود.

گفتنی است که چنین تقریری در دستخطهای ناصرالدین شاه در طول دوران سلطنت پنجاه ساله اش تاکنون دیده نشده است.

یادداشتها و مآخذ:

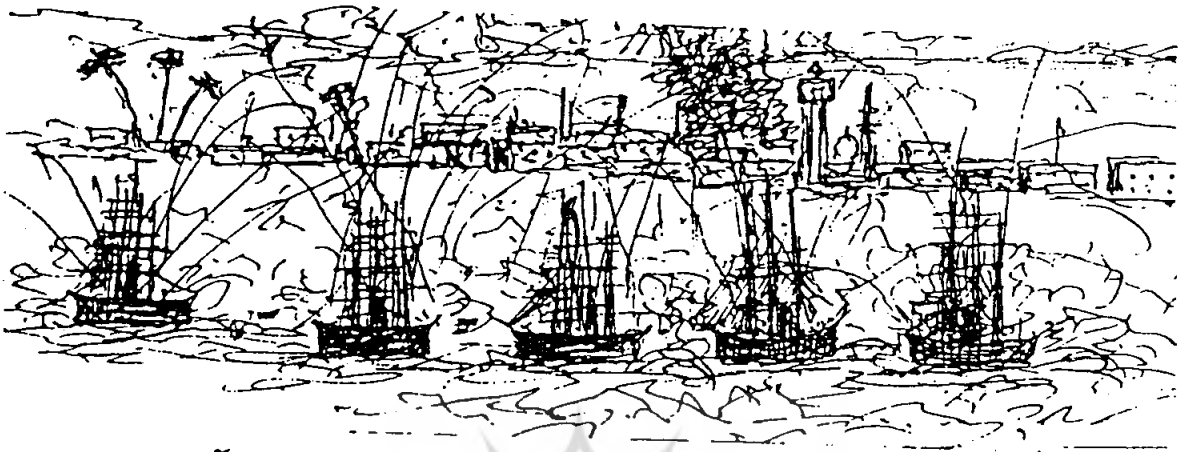
- ۱- بامداد، تاریخ رجال ایران، جلد ۴، ص ۸۲.
 - ۲- محمود فرهاد معتمد، کتاب سپهسالار اعظم، جلد اول، ۱۳۲۵، ص ۱۳۰.
- پیچی نیل (به کسر اول و دوم) سال میمون، سال نهم از سالهای دوازده گانه ترکی.
- میرزا عبدالوهاب خان شیرازی نصیرالدوله (آصف الدوله) در این تاریخ وزیر تجارت و گمرکات بوده است. این گفته تجار شیرازی که: «خدمت آقای نصیرالدوله تلگراف نمودیم به عرض ما نرسیده اند» برای این است که در آن دوره کار عمده وزارت تجارت رسیدگی به شکایات و امورات تجار بوده است.

دو نقاشی از ناصرالدین شاه

- ۱- سفر نامرستاق مازندران در دهم شعبان ۱۲۹۹ هـ. ق. آغاز و در آخر رمضان همان سال پایان یافت. سفرنامه را ناصرالدین شاه نوشته است. شرح شروع این مسافرت در شماره دو روزنامه شرف به چاپ رسیده و نشر بقیه آن در چند شماره ادامه یافته است. در این سفر هم مانند کلیه سفرهای داخلی و خارجی، امین السلطنه از همراهان شاه (ملترزمین رکاب) بوده است. شاه در یادداشت روزانه مورخ دوشنبه شانزدهم می‌نویسد: «... امین السلطنه که مدتی در شهر ناخوش بود خوب شده و آمده امروز وارد اینجا شد، به حضور آمد، الی عصر بعضی نوشتجات وزارتخانه‌ها را خوانده جواب دادم».

نوشتۀ امین السلطنه در زیر نقاشی شاه:

بتاریخ شب یکشنبه بیست و نهم شهر شعبان المعظم یونت نیل در منزل نامرستاق صورت کشتی
است که سرکار اعلیحضرت ظلّ الله روحنا فداه به دست مبارک کشیده اند و این شب هم شام
مردانه میل فرمودند.



بتاریخ شب یکشنبه بیست و نهم شهر شعبان المعظم
در منزل نامرستاق صورت کشتی مبارک
میل فرمودند و روحنا فداه به دست مبارک کشیده اند
شام مردانه میل فرمودند

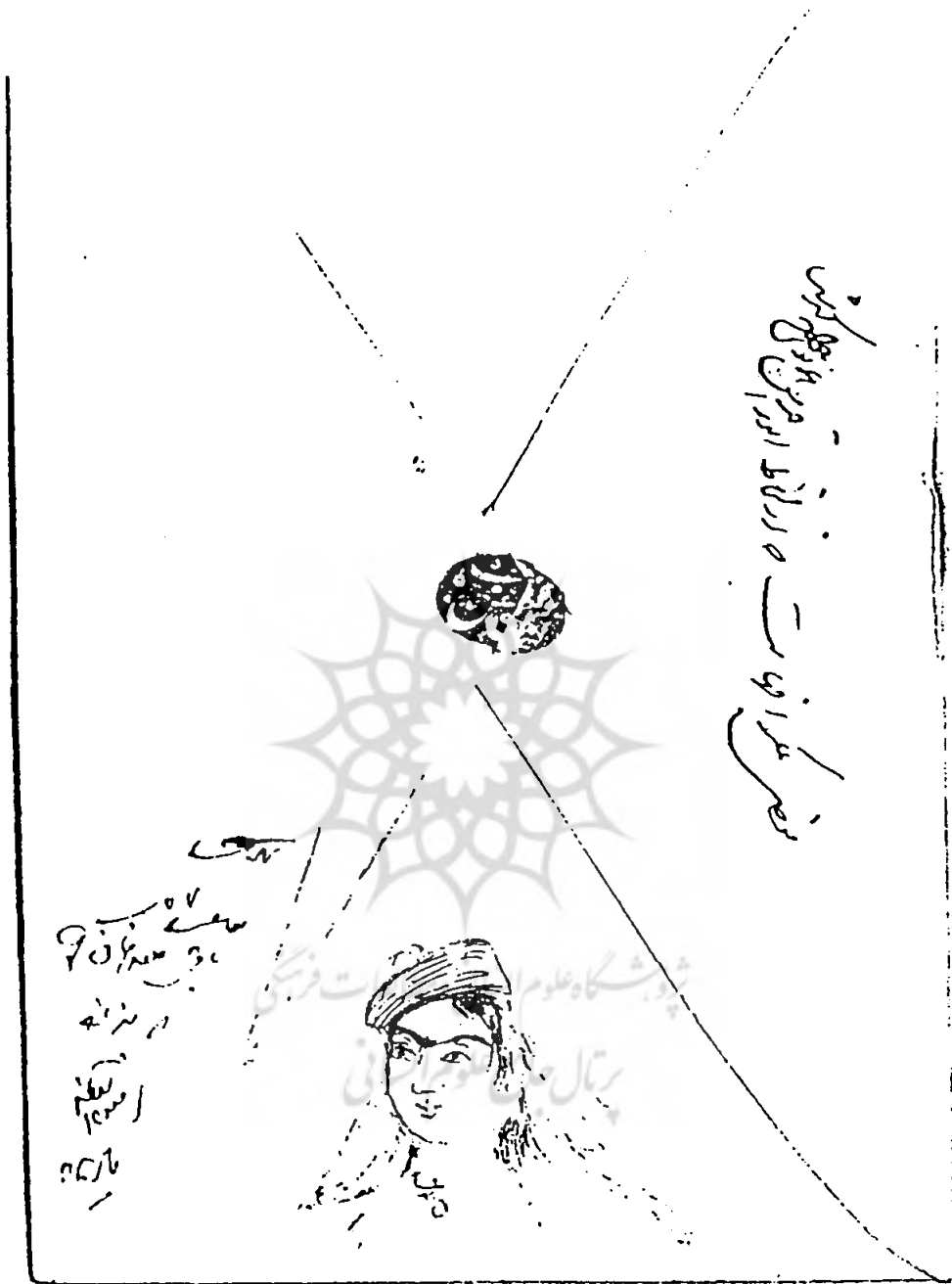
نقاشی شماره یک، اندازه اصل سند (۱۵ X ۱۲/۵ سانتیمتر)

یادداشتها:

یونت نیل: سال اسب، هفتمین سال از سالهای دوازدهگانه ترکی.
شماره اول روزنامه شرف در محرم ۱۳۰۰ ه. ق. منتشر شد و انتشار آن با هشتاد و هفت شماره تا ۱۳۰۹ ه. ق. ادامه
یافت.
اصطلاح «شام مردانه میل فرمودند» به مفهوم آن روز، این است که شاه شام را به جای صرف در حرمخانه
(اندرون) به تنهایی و یا با حضور بعضی از رجال در (بیرون) صرف کرده است.

۲- تصویر، صورت یک زن فرنگی ست که شاه در روی پاکت عرایض تلگرافی
باهمان قلم دستخط طراحی کرده است. دستخط شاه در حاشیۀ چپ پاکت: « [مبلغ پول
به سیاق] باقی [خوانده نشد] خان است که بدمه امین السلطنه باید بدهد». رقم مهر روی

پاکت «محمد یوسف ابن حسن» است که مهر یوسف مستوفی الممالک می باشد.



نقاشی شماره دو، اندازه اصل سند (۱۲×۱۹ سانتیمتر)

واشنگتن

یادداشت:

نقاشی بی تاریخ است. به نظر نویسنده باید پاکت عرایض تلگرافی مربوط به سال ۱۲۹۵ هـ. ق. در راه بازگشت از سفر دوم فرنگستان باشد.